

واکاوی مبانی حقوقی نظریه تغییرجنسیت از منظر امام خمینی رحمه الله علیه

محمد مهدی کریمی نیا^۱، مجتبی انصاری مقدم^۲

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

چکیده

یکی از مسائل نوپیدای فقه، مسئله «تغییر جنسیت» است. این امر علاوه بر تبدیل جنس فرد، زندگی حقوقی و فقهی وی را متحول می سازد. هدف از پژوهش، علاوه بر بیان سابقه این مسئله در فقه شیعه، و توضیح دیدگاه تورات، انجیل و قرآن کریم، بیان اقسام تغییر جنسیت است و آن گاه بوضوح دیدگاه امام خمینی در ابعاد مختلف آن توضیح داده شده است که شامل: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت، تأثیر تغییر جنسیت بر ازدواج، مهریه، نفقه، ولایت، حضانت، عناوین خانوادگی و ارث است. روش پژوهش، مراجعه به فتاوی امام خمینی در تحریر الوسيله است. به عنوان یافته پژوهش باید گفت: از نظر امام خمینی تغییر جنسیت حرام نیست، ولی موجب بطلان ازدواج سابق شده، عناوین خانوادگی را متحول ساخته و سهم الارث فرد تغییر جنسیت یافته، بر اساس جنسیت جدید است. روش تحقیق، میدانی، توصیفی و تحلیلی است. برای شناخت موضوع تغییر جنسیت، ماهیت ترانس و دوجنسی ها نیاز به کار میدانی بود و برای شناخت دیدگاه امام خمینی از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: تغییر جنسیت، تبدیل جنسیت، خنثی، دوجنسی، ترانس سکشوال، اختلال هویت جنسی، مسائل مستحدثه

مقدمه:

تغییر جنسیت عبارت است از تبدیل جنسیت یک فرد از مذکر به مؤنث، یا از مؤنث به مذکر یا از خنثی به مذکر یا مؤنث، یا از مذکر به خنثی و یا از مؤنث به خنثی. اگرچه مباحثی مانند: خنثی ها و مُبدل پوش ها در فقه اسلامی دارای سابقه است، ولی برای بحث تغییر جنسیت سابقه طولانی نمی توان یافت. تغییر جنسیت زمینه ساز پرسش‌های فراوان فقهی و حقوقی است، که عمدتاً این مباحث در باب «حقوق خانواده» است. تغییر جنسیت موضوعی چنان وسیع است که آرایه تحقیقی جامع در مورد آن دشوار به نظر می‌رسد. در گذشته تبدیل پسر به دختر و برعکس، یک امر غیر ممکن تلقی می‌شد، اما در دهه‌های اخیر، هزاران تغییر جنسیت در ایران و خارج ایران به وقوع پیوسته است.

اگر در گذشته این بحث فقط جنبه علمی داشت، امروزه به جهت تحقق خارجی و تکرار آن در جوامع مختلف، به موضوع عینی تبدیل شده و نه تنها فقهای شیعه، بلکه دانشمندان اهل سنت و مسیحی را هم درگیر کرده است. تغییر جنسیت زمینه ساز سؤالات متعددی است؛ مانند: آیا تغییر جنسیت، جایز است؟ چنان چه یکی از زوجین یا هر دو، به جنس مخالف تبدیل شوند، آیا ازدواج هم چنان به حال خود باقی است، یا آن که آن دو، خود به خود از یکدیگر جدا می‌شوند، یا آن که برای جدایی از هم، لازم است عاملی مانند: طلاق و فسخ پدید آید؟ چنان چه زن، پس از ازدواج، تغییر جنسیت دهد، آیا می‌تواند مهریه ازدواج پیشین رامطالبه نماید؟ نیز چنان چه، مرد تغییر جنسیت دهد، آیا موظف به دادن مهریه ازدواج پیشین می‌باشد یا نه؟ چنان چه مرد تغییر جنسیت دهد، یا زن جنسیت خویش را تبدیل نماید، آیا در مورد نفقه زوجه تغییری حاصل می‌شود؟ چنان چه، مرد جنسیت خویش را تغییر دهد، آیا حق ولایت و سرپرستی کودکان را از دست می‌دهد؟ چنان چه مادر تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل گردد، می‌تواند ولایت و سرپرستی کودکان را به دست آورد؟ آیا ارث، پس از تغییر جنسیت تغییر می‌کند؟ چنان چه، پسر تغییر جنسیت دهد و به دختر تبدیل گردد، سهم الارث او چه مقدار است؟ آیا سهم او براساس جنسیت فعلی او است، یا بر طبق جنسیت سابق سهم الارث دریافت می‌کند؟ همین پرسش در صورتی که دختر به پسر تبدیل گردد، نیز مطرح است، آیا سهم الارث او افزایش می‌یابد؟ هم چنین اگر پدر یا مادر تغییر جنسیت دهند، آیا در میزان سهم الارث آنان از فرزند مرده خویش، تغییری پیش می‌آید؟ مسأله عناوین خانوادگی؛ مانند: پدر، مادر، برادر، خواهر، فرزند، عمو، دایی و خاله پس از تغییر جنسیت چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

هر گاه از تاریخچه تغییر جنسیت در ایران سخن به میان می‌آید، به فتوای امام خمینی که در سال ۱۳۶۴ صادر شده است، به عنوان «سر آغاز بحث فقهی تغییر جنسیت» در ایران اشاره می‌شود، در حالی که ۲۲ سال قبل از این تاریخ، امام خمینی با صراحت تمام، مسأله «عدم حرمت تغییر جنسیت» و برخی مسائل دیگر را مطرح نموده بودند. توضیح آن که مرحوم امام خمینی در سال ۱۳۴۳ از سوی شاه ایران و در پی حوادث خونین پانزده خرداد و آغاز نهضت اسلامی، از قم به ترکیه تبعید شدند. در مدت اقامت ایشان در شهر «بورسا»- یکی از شهرهای ترکیه- کتابی به نام «تحریر الوسيله»، و در دو جلد به نگارش در آوردند. در آخر جلد دوم کتاب فوق، مسائل نو پیدا، و از جمله ده مسأله مهم در بحث تغییر جنسیت مطرح کرده‌اند. این کتاب در سال ۱۳۴۷ در نجف اشرف به چاپ رسید. دیدگاه امام خمینی، سر آغاز مباحث فقهی و حقوقی تغییر جنسیت در جهان است و قبل از ایشان، هیچ فقیه یا دانشمندی این مباحث را مطرح نکرده است.

مسائل ده‌گانه‌ای که امام خمینی مهم‌ترین منبع فقهی برای تبیین جایگاه فقهی و حقوقی تغییر جنسیت در بعد از انقلاب اسلامی ایران بوده است، به طوری که تا این تاریخ بیش از هزار بیمار مجوز تغییر جنسیت دریافت کرده‌اند (میرجلالی، ۱۳۸۸، ۳۶). یکی از پزشکان جراح ایرانی می‌گوید که در مدت ۳۰ سال گذشته، حدود ۱۲۰۰ عمل جراحی تغییر جنسیت در ایران انجام داده است، (همان).

مراجع تقلید شیعه تحت تأثیر مراجعات مکلفین، این بحث را در ضمن رساله‌های عملیه یا استفتاءات مطرح کرده‌اند. بیش از ۳۵۰ استفتاء و مسأله از بیش از سی تن از فقها و مراجع تقلید در بحث تغییر جنسیت و دو جنسی‌ها در اختیار است (جهت نمونه: مکارم، استفتاءات، جلد اول؛ همو، رساله احکام بانوان، تهیه علیان نژادی؛ فاضل، جامع المسائل، جلد دوم؛ صانعی، استفتاءات پزشکی؛ منتظری، استفتاءات، جلد دوم؛ جناتی، استفتاءات، جلد دوم؛ فضل الله، فقه الحیاه؛ مدنی تبریزی، المسائل المستحدثة، ج اول؛ حسینی، احکام المغتربین وفقا لفتاوی عشره من مراجع التقليد؛ سید صادق شیرازی، المسائل الطبییه).

همچنین تحت تأثیر دیدگاه امام خمینی عده‌ای از فقیهان معاصر شیعه و حقوق دانان، کتب و مقالات فقهی و حقوقی در این زمینه نگاشتند (جهت نمونه: دوزدوزانی، ۱۳۸۷؛ کریمی نیا، ۱۳۸۹؛ مؤمن، ۱۴۱۵، مقاله «تغییر الجنس»؛ خرازی، ۱۴۲۰؛ صدر، ۱۹۹۶؛ مشکینی، ۱۳۷۷، مدخل «تغییر الجنسیه»؛ قائی، ۱۴۲۲، کریمی نیا، ۱۳۷۹، همو، ۱۳۸۹؛ باریک لو، ۱۳۸۲؛ همو، ۱۳۸۳). در این مقاله، آثار فقهی مترتب بر تغییر جنسیت؛ اعم از آثار تکلیفی و وضعی با توجه به دیدگاه امام خمینی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی و بیان دیدگاه امام خمینی

«تغییر» واژه‌ای عربی به معنای هر گونه تبدیل و دگرگونی است که ممکن است وضعیت یا حالت یک شیء را عوض کند، به گونه‌ای که وضعیت جدید با وضعیت سابق از یک جهت یا جهات متعدد دارای تفاوت باشد. این معنا در زبان فارسی هم در همین معنا به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۴۰/۵؛ طریحی، ۱۳۶۸، ۴۳۱/۳؛ دهخدا، ۱۳۳۷، واژه تغییر). و «جنس» به معنای «کالا و متاع» یا ماهیتی که شامل «انواع» می‌باشد، تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۳۷، واژه جنس؛ عمید، ۱۳۶۰، ۵۳۹/۱). «جنس» به معنای «نر و ماده» استعمالی نو است و ریشه در وضع لغوی ندارد. در زبان فارسی «جنسی» به معنای آلت تناسلی، دارای خاصیت جنسی و نیز نر و ماده است. (دهخدا، ۱۳۳۷، واژه جنس و جنسی؛ عمید، ۱۳۶۰، ۷۰۶/۱) و «جنسیت» به معنای حالت یا ماهیت جنس و دارا بودن تمایلات جنسی به کار رفته است (همان). ترکیب این دو واژه یعنی «تغییر جنسیت» به سبب نو پیدا بودن، در کتب لغت تعریف نشده است، ولی منظور از آن هر گونه تبدیل و تحول در جنس نر، ماده یا خنثی می‌باشد، به گونه‌ای که وضعیت کنونی با وضعیت سابق متفاوت باشد. به نظر می‌رسد واژه «تغییر جنسیت» در اصطلاح پزشکی، با معنای لغوی آن و آن چه که در میان مردم شایع است، تفاوت چندانی نداشته باشد. البته تغییر جنسیت با «تغییر ژنتیکی» یا «تغییر کروموزوم‌ها» تفاوت دارد؛ زیرا در این گونه اعمال، جنسیت فرد تغییر نمی‌کند، بلکه تغییرات یا اصلاحاتی نسبت به «ژن» یا «کروموزوم» افراد صورت می‌پذیرد. بدیهی است که با تغییر یا اصلاح ژن‌ها، دگرگونی‌هایی در رفتار، اخلاق و حالات شخصی پدید می‌آید، ولی هیچ گاه به وضعیت جدید به وجود آمده، «تغییر جنسیت» گفته نمی‌شود.

فقیهان اسلامی که در باره تغییر جنسیت سخن گفته‌اند، معمولاً در باره «معنای فقهی» آن سخن بیان نداشته‌اند و در حقیقت منظور آنان از این اصطلاح، همان معنای لغوی و عرفی تغییر جنسیت بوده است. از نظر برخی فقیهان اسلامی، مفهوم «تغییر جنسیت» بدیهی بوده و نیازمند تعریف نیست (مشکینی، ۱۳۷۷، ۱۵۳) و برخی دیگر، تغییر جنسیت را به «تبدیل مرد به زن یا بر عکس» معنا کرده‌اند (محسنی، ۱۳۸۲، ۱۱۱/۱؛ صدر، ۱۹۹۶، ۱۳۳/۶؛ همو، ۱۴۴۲، ۶۴۲/۳). از آن جایی که تغییر جنسیت شامل تغییر خنثی به مرد یا به زن و بر عکس آن نیز می‌شود، می‌توان تغییر جنسیت را این گونه تعریف کرد: «تغییر جنسیت عبارت است از تبدیل جنسیت یک فرد از مذکر به مؤنث، یا از مؤنث به مذکر یا از خنثی به مذکر یا مؤنث، یا از مذکر به خنثی و یا از مؤنث به خنثی».

تغییر جنسیت در یک تعریف عام، شامل تغییر جنسیت در حیوانات و حتی گیاهان نیز می‌شود (صدر، ۱۴۴۲، ۶۴۲/۳؛ قائنی، ۱۴۲۲، ۲۲۰/۱؛ سبزواری، ۱۴۱۹، ۳۰۵/۹). اگر چه امام خمینی به طور صریح از تغییر جنسیت تعریفی ارائه نداده است، ولی با توجه به مسائل ده‌گانه‌ای که ایشان بویژه در مسأله اول بیان نموده، منظور ایشان از تغییر جنسیت، تبدیل مرد به زن یا بر عکس و تبدیل خنثی به مرد یا زن است.

۲. پیشینه بحث تغییر جنسیت

۲-۱. سابقه بحث خنثی‌ها و مبدل پوش‌ها

از گذشته تاکنون، خنثی‌ها (دو جنسی‌ها) در تمام جوامع یافت می‌شده است. این امر، پدیده جدیدی نیست. با توجه به متون فقهی و روایی روشن می‌شود که از صدر اسلام تا کنون، افرادی به صورت نادر به عنوان «خنثی» یا «دو جنسی» در جامعه زیست می‌کرده‌اند. گاه از امامان شیعه (ع) در باره کیفیت تعیین جنسیت، کیفیت نماز جماعت، ارث و مانند آن پرسش می‌شده است. (حرّ عاملی، ۱۴۱۲، ۵۷۶/۱۷؛ ابواب میراث الخنثی، باب ۲، حدیث ۵؛ همان، ۵۷۳/۱۷؛ ابواب میراث الخنثی، باب ۱، حدیث ۱، ۲ و ۴؛ باب ۵، حدیث ۵؛ همان، ۲۸۴/۱۷؛ همان، ۳۳۸/۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳۶/۲۲؛ ۶۵/۷۶؛ ۲۵۸/۱۰۰؛ ۱۶۶/۱۱۰؛ کلینی، ۱۳۶۷، ۵۵۰/۵؛ ۷۱/۸). به دنبال آن، فقیهان اسلامی مباحث مربوط خنثی‌ها را در کتب فقهی خویش مطرح کرده‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۳، ۵۶/۲؛ مشکینی، ۱۳۷۷، ۲۳۳؛ صدر، ۱۹۹۶، ۱۳۵/۶).

همچنین از گذشته تا کنون افرادی خود را شبیه جنس مخالف در می‌آورند که در فقه اسلامی تحت عنوان «تشبه مرد به زن» یا بر عکس معرفی شده‌اند و امروزه آنان را تحت عنوان «مبدل پوش‌ها» می‌شناسند. این عمل حرام بوده و ابن عباس می‌گوید که رسول خدا مردی که خودش را شبیه زنان در آورد، و زنی که خودش را شبیه مردان در آورد، لعنت کرده است (ابو جیب، ۱۴۱۹، ۱۲۴).

۲-۲. دیدگاه کلی تورات و انجیل در بحث تغییر جنسیت

از تورات نمی‌توان حکم خاص در باره خنثی‌ها به دست آورد، ولی از نظر علمای یهود، تغییر جنسیت در مورد خنثی‌ها تنها اگر به منظور معالجه و درمان باشد جایز است (صالح، ۲۰۰۳، ۵۲) و در خصوص تغییر جنسیت مرد به زن یا بر عکس از علمای یهود اظهار نظری مشاهده نشده است.

۳-۲. دیدگاه قرآن کریم در بحث تغییر جنسیت

با مراجعه به کتب تفسیری اهل سنت معلوم می‌شود که اساساً آیه ۱۱۹ سوره‌ی نساء ناظر به بحث جدید تغییر جنسیت نیست؛ نهایت آن که برخی مفسرین اهل سنت، خواجه کردن بردگان، اخته کردن انسان، وشم، بریدن گوش حیوان، در آوردن چشم حیوان، تحریم گوشت حیوانِ حلال گوشت، پرستش ماه، خورشید و ... مصداق تغییر خلق الله دانسته‌اند و از نظر عده‌ای از آنان منظور از «تغییر خلق الله»، «تغییر دین الله» است و این معنا را شبیه آیه‌ی «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (سوره روم: ۳۰) می‌دانند که به معنای «لَا تَبْدِيلَ لِدینِ اللَّهِ» است (طبری، ۲۰۰۰، ۴/ ۳۶۲-۳۶۷؛ رازی، ۲۰۰۱، ۴/ ۳۲۳؛ آلوسی، ۱۹۹۹، ۵-۶/ ۱۹۵؛ ثعلبی، ۲۰۰۲، ۳/ ۳۸۸؛ قاسمی، ۱۴۲۶، ۳/ ۱۱۳۶-۱۱۳۷؛ عبده، ۲۰۰۳، ۵/ ۳۶۱).

برخی از محققین معتقدند با توجه به آیه مورد بحث (سوره نساء: ۱۱۹) تغییر در خلقت، گاه تغییر ظاهری و فیزیکی است و گاه تغییر معنوی مانند: گمراه ساختن انسان‌ها و سرگرم ساختن آن‌ها به آرزوها. هر دو تغییر در راستای اهداف شیطانی بوده و باعث دور ساختن فطرت بندگی خداوند است. بنابراین، هر نوع تغییر و تحریفی که به انگیزه‌ی شیطانی و اهداف و کارهای غیر الهی صورت پذیرد، مذموم و غیر شرعی است با توجه به شأن نزول فوق، برخی معتقدند خداوند در این آیات، از بریدن گوش یا کور کردن چشم حیوان و آن گاه وقف بت‌ها نهی کرده و آن را «تغییر در خلق الله» می‌داند؛ چه این که هدف از خلق این گونه حیوانات، استفاده از گوشت آن و بهره‌برداری از سواری و حمل بار است. این گونه نعمت‌ها، برای استفاده انسان‌ها آفریده شده است تا توان لازم برای عبادت و بندگی خداوند پیدا کنند، در غیر این صورت، از اهداف خلقت دور افتاده و در دام شیطان گرفتار کرده‌اند (قائمی، ۱۴۲۲، ۲/۲۲۰).

در زمان جاهلیت قبل از اسلام، هر گاه شتر چند بار می‌زائید، گوش او را می‌بریدند و یا شکاف می‌دادند و یا چشم آن را در می‌آوردند و از این طریق آن را در راه بت‌ها وقف می‌کردند، یعنی از آن پس، از سوار شدن و ذبح آن خودداری می‌کردند (طریحی، ۱۳۶۸، ۳/۴۳۱).

به اعتقاد برخی مفسرین، تغییر در خلقت به طور مطلق ناپسند نیست، زیرا برخی کارها از قبیل ختنه کردن، قطع کردن بند ناف جنین، ازاله موهای زائد بدن و کوتاه کردن موی سر و حتی برخی جراحی‌های طبی از اموری است که قانون گذار الهی نه تنها از انجام آن نهی نکرده است، بلکه به انجام آن نیز امر کرده است (سبزواری، ۱۴۱۹، ۲۸۹/۹-۳۰۵).

آیه ۱۱۹ سوره نساء به بحث تبدیل مذکر به مؤنث و بر عکس ناظر نیست؛ چه این که از این طریق، انسانیت انسان عوض نمی‌شود، بلکه در واقع یک صفت (مثلاً مذکر بودن) به صفت دیگر (مؤنث بودن) تبدیل می‌شود. بنابراین استشهاد به این آیه شریفه، برای اثبات حرمت تغییر جنسیت، صحیح نیست و فقهای شیعه که به جواز تغییر جنسیت معتقدند، از آیه ۱۱۹ سوره نساء، حرمت تغییر جنسیت را استفاده نکرده‌اند.

مضافاً به این که در اکثر قریب به اتفاق موارد تغییر جنسیت به دلیل بیماری جسمی و یا روحی صورت می‌گیرد. هر گاه تغییر جنسیت به منظور معالجه بیمار باشد و راه دیگری برای درمان وجود نداشته باشد، آیا همچنان می‌توان معتقد بود که تغییر جنسیت، تغییری در خلقت الهی است و یک کار شیطانی محسوب می‌شود؟! پاسخ منفی قابل توجیه است.

۴-۲. تاریخچه‌ی عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت

عمل جراحی در مورد خنثی‌ها یا دو جنسی‌ها پدیده‌ی نوظهوری محسوب نمی‌شود. این گونه افراد با تغییر جنسیت به یکی از دو جنس: مرد یا زن تبدیل می‌شوند. آن چه این مسأله را از حساسیت زیادی برخوردار ساخته، تغییر جنسیت در مورد افرادی است که از نظر جسمی و فیزیک بدنی هیچ مشکلی ندارد، تنها به دلیل بیماری روحی و روانی، گرفتار اختلال هویت جنسی بوده و خود را متعلق به جنس مخالف می‌دانند. گاه در جامعه مردانی یافت می‌شوند که خود را زن می‌دانند و در مواردی، زنانی هستند که خود را مرد می‌دانند. امروزه این امکان برای این عده وجود دارد که با عمل جراحی، به جنس مخالف تبدیل شوند که در زبان عربی از آنان به «الخنثی الروانی» (خنثای روانی) و در زبان انگلیسی به «ترنس سکشوال»^۱ یاد می‌-

^۱ Transsexual

شود. در زبان فارسی برآن معادل بیان نشده است، ولی می‌توان برای آن واژه «تراجنسیتی» یا واژه «اختلال هویت جنسی» را پیشنهاد داد.

اولین تغییر جنسیت در ایران در سال ۱۳۰۹ اتفاق افتاد که بر اساس آن، مردی در یک عمل جراحی، به یک زن تبدیل شد (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۵۰ به بعد). اولین عمل تغییر جنسیت در انگلستان در فاصله سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۸ انجام شد، که طی آن شخصی به نام «لوار دیلون»، دختر یک اشراف زاده‌ی ایرلندی، توسط پزشکی به نام «مکلندو» به مرد تغییر جنسیت داد و نام خویش را به «مایکل دیلون» تغییر داد. در سال ۲۰۰۲م. دولت انگلیس اعلام کرد که مشاوره‌هایی را به منظور به تصویب رساندن «قانون باز شناسی جنسیت» در دست انجام دارد، که این قانون در سال ۲۰۰۴م. به تصویب رسید و از سال ۲۰۰۵م. تراجنسیتی‌ها انگلیس توانستند تقاضای شناسنامه جدید کنند. حدود ۵۰۰۰ نفر از این بیماران در انگلستان زندگی می‌کنند (همان، ۵۳). در سال ۱۹۵۲م. اولین تغییر جنسیت در آمریکا اتفاق افتاد و روزنامه نیویورک تایمز با درج یک تیترب، جذاب، تغییر جنسیت او را به عنوان یک موضوع اجتماعی مطرح و توجه افکار عمومی را به آن جلب کرد (باریک لو، ۱۳۸۲، ۶۴). در سال ۱۹۸۲م. در مصر فردی به نام «سید عبدالله» با یک روان پزشک تماس گرفت و روان پزشک متوجه شد که بیمار گرفتار بحران «اختلال هویت جنسی» است. معالجات هورمون درمانی فایده‌ای نداشت و در نهایت در سال ۱۹۸۸ سید عبدالله تغییر جنسیت داد و نام «سالی» را برای خود انتخاب کرد و با پی‌گیری‌های فراوان در سال ۱۹۸۹ موفق به اخذ شناسنامه جدید شد (همان، ۶۶).

۵-۲. عناوین فقهی تغییر جنسیت مطرح شده از سوی امام خمینی

دیدگاه امام خمینی در بحث تغییر جنسیت شامل موارد زیر است: جواز تغییر جنسیت؛ تبدیل جنس واقعی؛ تغییر جنسیت پس از ازدواج؛ تغییر جنسیت زن و شوهر با هم؛ سقوط عده؛ تغییر عناوین؛ ارث؛ حریمیت؛ نسبت در نزدیکان رضاعی؛ کشف جنس واقعی؛ ولایت و سرپرستی کودکان. (خمینی، ۱۳۶۶، ۵۵۸/۲ - ۵۶۰). توضیح تفصیلی هر یک خواهد آمد. امام خمینی پس از ورد به ایران، با صدور فتوای جدید، فصل جدیدی در این باره گشود. فردی به نام «فریدون» که بعداً با تغییر جنسیت، نام «مریم خاتون ملک آرا» را برگزید، قدم‌های مفیدی در این زمینه برداشت. وی در سال ۱۳۵۶ش. یعنی یک سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نامه‌ای به امام خمینی نوشت و بیماری «اختلال هویت جنسی» که وی شدیداً گرفتار آن بود، برای وی توضیح داد و حتی در سال ۱۳۵۷ش. به فرانسه محل اقامت امام خمینی رفته و از نزدیک با امام خمینی ملاقات کرده و خواهان دریافت مجوز شرعی برای تغییر جنسیت شد، ولی به دلیل شرایط حاد انقلاب اسلامی، قضیه مسکوت ماند. فریدون بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، و از طریق برخی مسئولین عالی رتبه نظام، به محضر امام خمینی رسیده و بار دیگر شرح ماجرای خود را بیان داشت. امام خمینی با تغییر جنسیت او موافقت نمود و دفتر امام خمینی در سال ۱۳۶۴ش. این فتوا را برای وی صادر کرد:

«بسمه تعالی، تغییر جنسیت با تجویز طبیب مورد اعتماد اشکال شرعی ندارد. انشاء الله تعالی در امان بوده باشید و

کسانی که شما ذکر کرده‌اید، امید است مراعات حال شما را بکنند» (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۴۲۰). ۳. تقسیمات تغییر جنسیت

دسته اول؛ در برخی موارد دستگاه تناسلی خارجی، صورت کامل پیدا نکرده و جنسیت حقیقی پنهان مانده است که با جراحی، جنسیت حقیقی این افراد کشف می‌شود. از نظر امام خمینی تغییر شکل و کشف آن چه پنهان است، واجب نیست مگر در صورتی که عمل به تکالیف شرعی یا پاره‌ای از آن، نیاز به عمل جراحی داشته و پرهیز از محرمات و گناهان جز به آن امکان نداشته باشد. (خمینی، ۱۳۶۸، ۵۵۹/۲، مسأله ۲)، از نظر امام خمینی، چنان چه شخص قبل از عمل جراحی، در جنس مخالف قرار دارد، عمل جراحی، جنسیت وی را تغییر نمی‌دهد، بلکه آن چه را پنهان است آشکار می‌سازد، در این صورت بدون شبهه واجب است آثار جنس واقعی را رعایت نماید. بنابراین، اگر بداند که در واقع مرد است، آن چه بر مردان واجب است، بر وی واجب است و آن چه بر مردان حرام است بر وی حرام می‌باشد. نیز اگر بداند، که در واقع زن است، لازم است احکام مربوط به زنان را رعایت کند (همان).

دسته دوم که خواهان تغییر جنسیت‌اند، خنثی‌ها هستند که در منابع حدیثی و فقهی به احکام شرعی این افراد اشاره شده است (حر عاملی، ۱۴۱۲، ۵۷۶/۱۷، ابواب میراث الخنثی، باب ۲، حدیث ۵؛ همو ۵۷۳/۱۷، باب ۱، حدیث ۱؛ حلی، ۱۳۸۷، ۱۷۴/۲؛ همو، ۱۳۸۳، ۱۷۷).

خنثی‌ها به دو گروه «خنثای مشکل» و «خنثای غیر مشکل» تقسیم می‌شوند. خنثای مشکل یا «دو جنسی کامل» یا «هرمافرودیت حقیقی»^۲ به دلیل دارا بودن هر دو آلت تناسلی مردانه و زنانه، دارای جنسیت بینابین و دو گانه هستند، و دقیقاً مرد بودن یا زن بودن آنان آشکار نیست. این عده ملزم به رعایت احتیاط‌های شرعی بوده و برای مثال، ازدواج برای آنان حرام است، (صدر، ۱۹۹۶، ۱۳۵/۶؛ مشکینی، ۱۳۷۷، ۲۳۳-۲۳۴؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۱، ۵۵/۲). اگر چه خنثای مشکل بیش از خنثای غیر مشکل نیازمند تغییر جنسیت و تعیین جنس واحد هستند، ولی خنثای غیر مشکل هم در برزخ جنسیت بوده و به عمل جراحی نیازمند هستند.

امام خمینی در مورد تغییر جنسیت خنثی‌ها به طور کلی فرموده که ملحق کردن خنثی به جنس زن یا مرد با عمل جراحی حرام نیست. (خمینی، ۱۳۶۸، ۵۵۸/۲). بنابراین، از نظر ایشان فرقی بین خنثای مشکل و خنثای غیر مشکل از این جهت نیست. ولی به اعتقاد برخی فقیهان شیعه، خنثی مشکل چنان چه دارای توان جسمی و مالی باشد، واجب است تغییر جنسیت داده، و یک جنس واحد که متناسب با وضعیت وی است برگزیند. (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۱۵۹، دیدگاه آیت الله تبریزی؛ مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، گنجینه آرای فقهی- قضایی، پاسخ سؤال ۵۸۶۸، نظر آیت الله مکارم؛ منتظری، ۱۴۱۷، ۱۱۳).

در این میان، یکی از فقیهان شیعه با تغییر جنسیت خنثی، حتی خنثای غیر مشکل مخالفت کرده است. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۷، ۱۱۹). به اعتقاد ایشان، خنثای مشکل، یا جنسیت مردانه را انتخاب کند و با دیگران به عنوان مرد تعامل داشته باشد؛ یا این که جنسیت زنانه را برگزیند و با دیگران به عنوان زن تعامل داشته باشد، (همان، ۱۲۴).

^۲ Herma frodit

دسته سوم که خواهان تغییر جنسیتند، افراد تراجنسیتی یا ترنس سکشوال^۳ یا «خنثای روانی» هستند. این عده از نظر ظاهری کاملاً سالم هستند و از نظر آلت تناسلی، هیچ گونه ابهام یا نقصی ندارند، ولی از نظر روحی و روانی، شدیداً بیمار و گرفتار اختلال هویت جنسی بوده و خود را متعلق به جنس مخالف می‌دانند. هر گاه درمان‌های پزشکی و روان‌پزشکی مؤثر واقع نشود، به آنان عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت پیشنهاد می‌شود، تا جنسیت آنان تا حد امکان، به روانی که خود را متعلق به آن می‌دانند، تطابق پیدا کند. تمایل و اصرار این گروه برای عمل جراحی، بسیار زیاد است (قضایی، ۱۳۷۳، ۵۶۸؛ گودرزی، ۱۳۷۰، ۱۲۱۹/۲؛ دیانی، ۱۳۸۰، ۱۰؛ کوچکیان زلبوا، ۱۳۸۳، ۱).

بیشترین مباحث تغییر جنسیت، در اطراف این مسأله است. از نظر تمام فقیهان اهل سنت، تغییر جنسیت این گروه حرام است (الجزای، ۲۰۰۸، ۹۶/۴؛ محمد کنعان، ۱۴۰۲، ۲۸۴). ولی از نظر امام خمینی و حدود ۱۰ تن از مجتهدان و فقیهان شیعه، تغییر جنسیت این گروه حرام نیست؛ مانند: آیت الله سیستانی، آیت الله خامنه‌ای، آیت الله فاضل، آیت الله منتظری، آیت الله صانعی، آیت الله جناتی، آیت الله موسوی اردبیلی، آیت الله مؤمن، آیت الله خرازی، (خمینی، ۱۳۶۸، ۵۵۸/۲؛ سایت آیت الله سیستانی به آدرس: «www.sistani.org»، مرکز تحقیقات قوه قضائیه، گنجینه‌ی آرای فقهی، سؤال ۵۲۸۰؛ کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۴۲۳؛ استفتاءات نگارنده از آیت الله فاضل؛ منتظری، ۱۳۸۳، ۴۰۸/۲؛ همو، ۱۴۱۷، ۵۱۷/۲؛ صانعی، ب، ۱۳۷۷، ۹۴-۹۲؛ همو، الف، ۱۳۷۷، ۴۶۵/۱؛ جناتی، ۱۳۸۲، ۲۵۴/۲؛ مرکز تحقیقات قوه قضائیه، گنجینه‌ی سئوالات، شماره ۵۸۶۸ (دیدگاه آیت الله موسوی اردبیلی)؛ فتاحی، ۱۳۸۰، ۶۹۰/۲ (دیدگاه آیت الله مؤمن).

فتوای صریح امام خمینی در عدم حرمت تغییر جنسیت، شامل تغییر جنسیت مرد به زن و زن به مرد و نیز شامل تغییر جنسیت خنثی به یکی از دو جنس زن یا مرد می‌شود. بر این اساس، از نظر امام خمینی، تغییر جنسیت مطلقاً حرام نیست. این سخن از آن جهت مهم است که ممکن است تصور شود دیدگاه امام خمینی در عدم حرمت تغییر جنسیت، تنها مربوط به خنثی‌ها است. مؤید این مطلب، فتوایی است که امام خمینی در سال ۱۳۶۴ ش. برای یک بیمار تراجنسیتی صادر کرد و تصریح نمود که تغییر جنسیت با تجویز طبیب مورد اعتماد، اشکال شرعی ندارد (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۱۳۶ و ۲۰۱). اگر چه دیدگاه امام خمینی در تحریر الوسیله عام بوده و از این جهت شامل بیماران تراجنسیتی که دچار اختلال هویت جنسی شده‌اند می‌شود، اما فتوای اخیر ایشان، در خصوص این گونه بیماران بوده است. علاوه بر این، امام خمینی در ادامه کلام خویش، به مسأله بیماران تراجنسیتی که دارای اختلال هویت جنسی می‌باشند، این گونه اشاره کرده است: اگر زن در وجود خویش تمایلات جنس مرد را احساس کند و یا مرد در وجود خویش تمایلات جنس مخالف را احساس کند (خمینی، ۱۳۶۸، ۵۵۹/۲، مسأله ۱).

برخی از شاگردان امام خمینی، ادله‌ای برای فتوای فوق ذکر کرده‌اند، (مؤمن، ۱۴۱۵، ۱۰۹؛ خرازی، ۱۴۲۰، ۲۴۱؛ منتظری، ۱۴۱۷، ۵۱۷/۲). مهم‌ترین دلیل، از نظر آنان این است که برای حرمت تغییر جنسیت، هیچ دلیلی از کتاب و سنت وجود ندارد و چنان چه ضرورت و اضطراری در تغییر جنسیت افراد سالم در میان نباشد و شخص در عسر و حرج واقع نشده باشد، جواز تغییر جنسیت، دارای یک شرط اساسی است و آن این که تغییر جنسیت نباید ملازم با امور حرام و غیر شرعی

^۳Transsexual

مانند: لمس حرام و نظر حرام باشد. بنابراین، تغییر جنسیت کودک نابالغ که به سنّ تشخیص نرسیده با اجازه ولیّ کودک بلا مانع است (مؤمن، ۱۴۱۵، ۱۰۹). نیز چنان چه، فرضاً کسی از طریق استفاده از هورمون، تغییر جنسیت دهد، یا لاقط آثار جنس مخالف را در خود پدید آورده، مرتکب فعل حرام نشده است.

کلام امام خمینی صراحت دارد که تغییر جنسیت «حرام نیست»، که معنای دیگر آن «جواز» یا «باحه» است. وی در ادامه تصریح می‌کند که چنین تغییر جنسیتی، «واجب نیست». بنابراین، حتی دو جنسی‌ها که دارای آثار جنسی مخالف هستند، یا تراجنسیتی (ترانس‌ها) که دارای تمایلات جنس مخالف هستند، موظف به تغییر جنسیت نیستند. با توجه به کلام فوق، خنثی‌ها حتی «خنثای مشکل» لازم نیست تن به عمل جراحی داده و خود را از دو گانگی جنسی یا ابهام جنسی رها سازد. البته این سخن در صورتی است که واجبات شرعی ترک نشود و یا ارتکاب محرمات پیش نیاید. از این رو، چنان چه باقی ماندن بر حالت دو جنسی، موجب ترک واجبات و یا انجام محرمات شود و شخص توان مالی و جسمی برای تغییر جنسیت داشته باشد، بر او واجب است به تغییر جنسیت و رفع ابهام جنسی اقدام نماید.

دسته چهارم تغییر جنسیت، تبدیل مرد یا زن به خنثی است. این قسم از اقسام تغییر جنسیت، در کلام امام خمینی نیامده است؛ چه این که ایشان تبدیل مرد به زن یا بر عکس و نیز تبدیل خنثی به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث را بیان داشته است. هم چنین ایشان به عمل جراحی، به منظور کشف جنسیت پنهان شده اشاره نموده است.

البته به طور طبیعی، هیچ گاه افراد تمایل ندارند که جنسیت مردانه یا زنانه‌ی خویش را به خنثی تبدیل کنند، و نیز این احتمال وجود دارد که عمل جراحی تغییر جنسیت به صورت ناقص انجام شود، در نتیجه، شخص کاملاً به جنس مخالف تبدیل نشود و از طرفی، امکان بازگشت به جنس سابق هم وجود نداشته باشد و به طور ناخواسته، فردی به خنثی تبدیل گردد (صدر، ۱۹۹۶، ۱۳۳/۶؛ همو، ۱۴۴۲، ۶۴۲/۳).

دسته پنجم تغییر جنسیت، تغییر جنسیت در افراد سالم است؛ یعنی عده‌ای که فاقد مشکل جسمی یا روحی بوده و تنها از روی هوس و تمایلات زودگذر، خواهان تغییر جنسیت‌اند، از آن جایی که برای تمایل این عده، هیچ گونه اضطراب یا توجیه عقلانی وجود ندارد، در عمل، پزشکان با تغییر جنسیت این گروه مخالف هستند.

دسته ششم تغییر جنسیت، تغییر جنسیت در حیوانات است. گاه این تغییر به دست بشر روی می‌دهد و گاه حیوانات به دلیل عوامل طبیعی، تغییر جنسیت می‌دهند، (سرچشمه پور، ۱۳۸۴، ۴۲-۴۴؛ کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۶۰). حالت دوم، خارج از مباحث فقهی است، چه این که فقه، متکفل بیان احکام شرعی افعال مکلفان است. بنابراین، هر گاه به دلیل عوامل طبیعی، حوادثی مانند تغییر جنسیت در حیوانات اتفاق افتد، بحث فقهی در باره آن بی‌مورد است.

آن چه به دست بشر اتفاق می‌افتد و از گذشته تاکنون معمول بوده است، خصا یا اخته کردن حیوانات حلال گوشت بوده است. هدف از این کار، بهبود یا افزایش گوشت حیوانات حلال گوشت مانند گوسفند و گاو است. امام خمینی و بسیاری از فقیهان درباره‌ی جواز یا عدم جواز این قسم، سخنی بیان نکرده است، ولی از نظر یکی از فقیهان شیعه، تبدیل جنس حیوان، به جنس مخالف مطلقاً جایز است، (صدر، ۱۴۴۲، ۶۴۲/۳). و به اعتقاد یکی از اساتید، اخته کردن حیوانات، مادامی که به تشریع و بدعت گذاری منجر نشود، جایز است، (قائمی، ۱۴۲۲، ۲۲۰/۱). صاحب نظران اهل سنت عمده‌تاً در ذیل آیه شریفه: فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ (سوره نساء: ۱۱۹) و تحت عنوان: «خِصَاءُ الْحَيَوانِ» (اخته کردن حیوانات) اظهار نظر کرده‌اند و در این زمینه، از اهل سنت

دیدگاه واحدی وجود ندارد. از نظر برخی از آنان، اخته کردن حیوانات حرام است (القاسمی، ۱۳۳۳/۱۴۲۶، ۳) و از نظر برخی جایز است (زمخشری، ۱۹۸۷، ۱۵۶۴/۲؛ نیشابوری، بی جا، ۴۴۹/۲؛ بغوی شافعی، بی جا، ۷۰۳/۱) و برخی معتقدند که تغییر در حیوانات به منظور بهبود گوشت آنان جایز است، ولی در حیوانات دیگر جایز نیست، (آلوسی بغدادی، ۱۹۹۹، ۵-۱۹۵/۶).
دسته هفتم تغییر جنسیت، تغییر جنسیت در گیاهان است و منظور از آن تبدیل یک گیاه یا درخت نر به گیاه یا درخت ماده و بر عکس می‌باشد. امام خمینی و دیگر فقیهان در باره «جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت گیاهان» سخن نگفته‌اند، ولی قطعاً این کار جایز بوده و هیچ منعی برای آن قابل تصور نیست.

۴. آثار فقهی و حقوقی تغییر جنسیت از نظر امام خمینی

فقه‌های اهل سنت تنها به بیان حرمت این عمل بسنده کرده‌اند، در حالی که فقه‌های شیعه تأثیر تغییر جنسیت بر ازدواج، مهریه، نفقه، ولایت، حضانت، ارث و عناوین خانوادگی مورد بررسی قرار داده‌اند.

۴-۱. تأثیر تغییر جنسیت بر ازدواج

گاه شخص پس از ازدواج، جنسیت خویش را تغییر می‌دهد، که ازدواج سابق، خود به خود باطل یا منحل می‌گردد و نیاز به فسخ نکاح یا طلاق نیست؛ چه این که یکی از مسائل بدیهی در فقه اسلامی، «لزوم اختلاف جنس در ازدواج» است و «ازدواج مرد با مرد» و «ازدواج زن با زن» مشروع نبوده و مصداق «لواط» و «مساحقه» است (مؤمن، ۱۴۱۵، ۱۱۱؛ محمد، ۱۹۹۶، ۱۳۸/۶؛ خرازی، ۱۴۲۰، ۲۷۴). یکی از گناهان کبیره، «لواط» یا هم جنس بازی مرد با مرد و نیز «مساحقه» یا هم جنس بازی زن با زن است. حتی اگر در موردی پس از ازدواج معلوم گردد که زوج، مرد نیست و یا زوجه، زن نیست، ازدواج سابق باطل بوده و مجوزی برای بقای ازدواج وجود ندارد.

هر گاه این رکن مسلم ازدواج، به هر دلیلی از جمله تغییر جنسیت یکی از زوجین مخدوش گردد، ازدواج سابق باطل می‌شود، (مؤمن، ۱۴۱۵، ۱۰۹؛ مطهری، ۱۴۰۳، ۱۹۷). امام خمینی تأکید می‌کند اگر زن یا مردی پس از ازدواج، تغییر جنسیت دهد، ازدواج از هنگام تغییر، باطل می‌شود، (خمینی، ۱۳۶۸، ۵۵۹/۲).

گاه زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت می‌دهند. در این صورت تغییر جنسیت زوجین، گاه «غیر همزمان» است؛ یعنی تغییر جنسیت زن و شوهر، با یک فاصله زمانی، صورت می‌پذیرد. امام خمینی می‌گوید اگر زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهند به این ترتیب که زن، مرد و مرد، زن شود، اگر تغییر جنسیت آن دو با هم در یک زمان نباشد، ازدواج باطل است، (همان). یعنی تغییر جنسیت غیر همزمان، مانند حالتی است که مرد به تنهایی یا زن به تنهایی پس از ازدواج، جنسیت خویش را تغییر دهد؛ چون با تغییر جنسیت اول (مثلاً زوج) ازدواج سابق باطل می‌شود و تغییر جنسیت دوم (مثلاً زوجه) تأثیری در حکم مسأله، یعنی بطلان ازدواج سابق ندارد.

چنان چه زن و شوهر در یک زمان تغییر جنسیت دهند؛ امام خمینی معتقد است در بقا یا عدم بقای ازدواج سابق، دو احتمال وجود دارد: احتمال اول آنکه ازدواج سابق، همانند موارد قبل باطل باشد. احتمال دوم آنکه ازدواج سابق همچنان برقرار است، الا اینکه زن مرد می‌شود و بر وی واجب است نفقه به زوجه پرداخت کند و مرد، زن شده و بر وی اطاعت از شوهر واجب است. امام خمینی راه احتیاط را برگزیده و معتقد است احتیاط شرعی آن است که آن دو مجدداً ازدواج کنند، و زن فعلی با

فرد دیگری ازدواج نکنند، مگر اینکه با اجازه هر دو طلاق بگیرد، هر چند بعید نیست ازدواج آنها همچنان برقرار باشد، (خمینی، ۱۳۶۸، ۵۵۹/۲؛ صانعی، ب، ۱۳۷۷، ۱۰۵-۱۰۶؛ همو، الف، ۱۳۷۷، ۴۶۵/۱).

برخی فقیهان شیعه در توضیح کلام امام خمینی، یعنی دوام ازدواج سابق، در حالتی که هر دو زوجین به صورت همزمان، تغییر جنسیت داده‌اند، معتقدند در این حالت، این احتمال وجود دارد که بتوان «اصل ازدواج سابق» را استصحاب کرد. اگر چه در وضعیت جدید، برخی خصوصیات و صفات، مثل صفت «مذکر بودن» و «مؤنث بودن» تغییر کرده است، ولی از بین رفتن برخی خصوصیات و اوصاف سابق، به بقای موضوع و وحدت آن ضرری نمی‌رساند. پس اگر در بقا یا عدم بقای ازدواج سابق شک داشته باشیم، می‌توانیم استصحاب ازدواج را جاری کنیم (مطهری، ۱۴۰۳، ۱۹۹). در مقابل عده‌ای معتقدند: در تغییر جنسیت همزمان زوجین، نکاح سابق باطل خواهد شد.

دلیل این امر آن است که در استصحاب ازدواج سابق، بر اساس ارتکاب عرفی، بایستی مرد بر صفت «مرد بودن» و زن بر صفت «زن بودن» باقی باشد؛ حال آن که پس از تغییر جنسیت، موضوع با این خصوصیت، از بین رفته است. بنابراین، برای استصحاب ازدواج سابق، موضوع وجود ندارد. (کریمی نیا، ۱۳۶۸، ۲۶۸؛ مطهری، ۱۴۰۳، ۱۹۹). تأثیر تغییر جنسیت بر ازدواج موقت، همانند ازدواج دائم بوده و موجب بطلان است.

۲-۴. تأثیر تغییر جنسیت بر مهریه

تغییر جنسیت بر مهریه‌ی زوجه، در عقد دائم نیز تأثیر گذار است. در این خصوص، چهار احتمال وجود دارد: احتمال اول آن که پرداخت مهریه به هیچ وجه لازم نیست؛ چه آمیزش صورت گرفته باشد یا نه، چه زوج تغییر جنسیت داده باشد یا زوجه. این احتمال مورد قبول فقها نیست، (مؤمن قمی، ۱۴۱۵، ۱۱۱؛ خرازی، ۱۴۲۰، ۲۵۲). دلیل این امر آن است که مهریه به دلیل ازدواج، واجب می‌شود و با انحلال ازدواج به دلیل تغییر جنسیت، از بین نمی‌رود؛ همان طور که پس از عوامل دیگر انحلال؛ مثل: فوت، طلاق و فسخ نکاح، مهریه از بین نمی‌رود.

احتمال دوم آن که پرداخت مهریه در هر صورت واجب است؛ چه آمیزش صورت گرفته باشد یا نه. این نظریه، مختار امام خمینی است. وی معتقد است اگر زنی ازدواج کند و پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و تبدیل به مرد شود، ازدواج از هنگام تغییر باطل می‌شود و شوهر در صورت آمیزش قبل از تغییر، باید تمام مهریه‌ی زن را بپردازد و در صورت عدم آمیزش سقوط نصف مهریه مشکل، و پرداخت تمام مهریه با قواعد فقهی شبیه تر است. همچنین اگر زنی با مردی ازدواج کند، و مرد تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگام تغییر باطل می‌شود. و در صورت آمیزش، باید مهریه‌ی زن را بدهد و در صورت عدم آمیزش، بنا بر اقوی باید بپردازد.

با توجه به کلام امام خمینی، بین تغییر جنسیت زوجه و زوج در پرداخت مهریه، تفاوت است، و آن این که اگر زوجه قبل از آمیزش، تغییر جنسیت دهد، شبهه آن است که زوج تمام مهریه را پرداخت کند، ولی اگر زوج قبل از آمیزش تغییر جنسیت دهد، بنا بر «اقوی» زوج باید تمام مهریه را بپردازد. به عبارت دیگر، اگر زوج با تغییر جنسیت خویش موجب بطلان ازدواج را فراهم آورد، به طریق اولی بایستی تمام مهریه را پرداخت کند، (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۲۹۵). عده‌ای از شاگردان امام خمینی

معتقدند در صورت عدم آمیزش قبل از تغییر، مهریه زن به طور کامل پرداخت شود و احتیاط آن است که مصالحه کنند، (خدادادی، ۲۵۲، ۱۳۷۵-۲۵۳؛ منتظری، ۱۳۸۳، ۴۰۸/۲؛ همو، ۱۳۸۱، ۱۱۵).

احتمال سوم آنکه هر گاه تغییر جنسیت یکی از زوجین، پس از مباشرت صورت پذیرد، پرداخت تمام مهریه به عهده زوجه سابق است و هر گاه تغییر قبل از مباشرت باشد، تنها پرداخت نصف مهریه بر عهده زوج است و چنانچه زوجه، بیش از نصف را دریافت کرده است، لازم است مازاد را به زوجه سابق بازگرداند (مؤمن، ۱۴۱۵، ۱۱۴؛ جناتی، ۲، ۱۳۸۲/۲۵۵). دلیل این احتمال آن است که بر اساس روایات متواتر و نیز شهرت فتوایی، پرداخت تمام مهریه به سبب دخول است. پس هر گاه زوجین قبل از دخول، به دلیل طلاق یا تغییر جنسیت از یکدیگر جدا شوند، تنها پرداخت نصف مهریه واجب خواهد بود.

آخرین احتمال آنکه اگر تغییر جنسیت از سوی زوجه و بدون رضایت زوج صورت پذیرد، پرداخت مهریه بر عهده زوج، واجب نیست، ولی اگر زوج تغییر جنسیت دهد، باید مهریه زوجه را پرداخت کند (صانعی، الف، ۱۳۷۷، ۴۶۵/۱؛ همو، ب، ۱۳۷۷، ۱۰۵).

در ازدواج موقت نیز اگر زوج تغییر جنسیت دهد، بایستی تمام مهریه را پرداخت کند، و اگر زوجه تغییر جنسیت دهد، به مقدار تخلف از میزان مهریه کاسته می‌شود، (خرازی، ۱۴۲۰، ۲۵۵).

۳-۴. تأثیر تغییر جنسیت بر نفقه

هر گاه زوج یا زوجه، تغییر جنسیت دهد ازدواج سابق باطل می‌شود و احکام زوجیت مانند نفقه نیز به تبع انتفای موضوع ازدواج سابق از بین می‌رود، (صدر، ۱۹۹۶، ۱۳۸/۶ و ۱۴۵؛ همو، ۱۴۴۲، ۶۶۴/۳، مسأله ۳۷۰۶ و ۳۷۰۸). سقوط نفقه زوجه به دلیل تغییر جنسیت یکی از زن یا شوهر از امور مسلم و روشن فقه اسلامی است. از این رو، امام خمینی بدان اشاره نکرده است. از نظر فقهای شیعه، تغییر جنسیت پدر، تأثیری در وجوب نفقه فرزندان ندارد و او همچنان موظف به پرداخت نفقه فرزندان خویش است؛ چه این که تغییر جنسیت پدر، از نظر عرف، وی را از عنوان «پدر بودن» خارج نمی‌سازد، (مؤمن، ۱۴۱۵، ۱۱۵؛ خرازی، ۱۴۲۰، ۲۵۸).

تغییر جنسیت مادر نیز تأثیری در نفقه فرزندان ندارد؛ زیرا این وظیفه، از ابتدا بر عهده مادر نبوده است، بلکه از ابتدا به عهده پدر است و در نبود وی، وظیفه جد پدری است. تنها در صورت نبود پدر و جد پدری، و با فرض توان مالی مادر، وظیفه پرداخت نفقه فرزندان به عهده مادر خواهد بود و با تغییر جنسیت وی، این وظیفه همچنان به عهده وی خواهد بود. ضمناً هر گاه پدر و مادر از نظر مالی ناتوان باشند، بر فرزندان آنها، در صورت تمکن واجب است مخارج ایشان را تأمین کنند و تغییر جنسیت فرزندان، تأثیری در این حکم ندارد؛ زیرا این حکم متوجه «فرزند» است و دختر یا پسر بودن تأثیری در آن ندارد.

۴-۴. تأثیر تغییر جنسیت بر عده

از نظر فقهای شیعه، در صورت تغییر جنسیت، عده زن در هر صورت ساقط است؛ چه مرد تغییر جنسیت دهد یا زن، (خمینی، ۱۳۶۸، مسأله ۵)، و چه عده طلاق باشد، یا عده فسخ، یا عده وفات؛ حتی تغییر جنسیت زوجه در زمان عده نیز می‌شود. از این رو، اگر زنی در زمان عده، تغییر جنسیت دهد، عده‌اش ساقط می‌شود حتی عده وفات (همان).

مهم‌ترین دلیل فقها در عدم لزوم داشتن عده در صورت تغییر جنسیتِ زوجه، تبدل و تغییر موضوع است و این که عده، مخصوص زنان است. پس هر گاه «موضوع» عوض شود وزن به سبب تغییر جنسیت مرد شود، «حکم» نیز عوض می‌شود. از این رو، عده ساقط است، (مطهری، ۱۴۰۳، ۱۱۵؛ صدر، ۱۹۹۶، ۱۴۴/۶؛ خرازی، ۱۴۲۰، ۲۵۴).

امام خمینی فقط به «تغییر جنسیت زوجه در زمان عده» اشاره کرده است. تنها یک تن از فقهای معاصر شیعه به مسأله «تغییر جنسیت شوهر و مسأله عده» اشاره کرده است، (صدر، ۱۴۴۲، ۶۴۴/۳، مسأله ۳۷۰۶؛ همو، ۱۹۹۶، ۱۳۸/۶). وی معتقد است هر گاه شوهر به زن تبدیل شود، ازدواج باطل می‌شود. نگه داشتن عده بر وی واجب نیست؛ چون به طور قطع، وی «زوجه» مدخول بها» نبوده است. پس وی این حق را دارد فوراً و بدون نگه داشتن عده، با هر مردی که می‌خواهد ازدواج کند (همان).

۴-۵. تأثیر تغییر جنسیت بر عناوین خانوادگی

از جمله آثار تأثیر تغییر جنسیت بر «عناوین خانوادگی» یا «عناوین نسبی» است، مانند: برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله، پدر و مادر. امام خمینی معتقد است اگر هر یک از برادر و خواهر تغییر جنسیت دهد، نسبت خانوادگی و فامیلی میان آن دو قطع نمی‌شود، بلکه برادر، خواهر می‌شود و خواهر، برادر (خمینی، ۱۳۶۸، مسأله ۷). همچنین «دو برادر» در صورت تغییر جنسیت به «دو خواهر» تبدیل می‌شوند و بر عکس؛ نیز اگر «عمو» تغییر جنسیت دهد، تبدیل به «عمه» و اگر «عمه‌ای» تغییر جنسیت دهد، تبدیل به «عمو» می‌شود. همچنین با تغییر جنسیت، دایی به خاله، و خاله به دایی تبدیل می‌شود.

امام خمینی در مورد تغییر جنسیت پدر و مادر، معتقد است اگر پدر تغییر جنسیت دهد، وی نه پدر فعلی محسوب می‌شود و نه مادر فعلی، و نیز اگر مادر تغییر جنسیت دهد، مرد فعلی، نه مادر است و نه پدر (همان). این سخن امام خمینی مورد پذیرش بقیه فقهای معاصر قرار نگرفته است. به اعتقاد آنان آن چه در مورد تغییر نسبت یا واژگونی نسبت در مورد «برادر، خواهر»، «عمو، عمه» و «خاله، دایی» بیان شد، در مورد «پدر و مادر» جاری نمی‌شود. پس «پدر» با تغییر جنسیت به «مادر» تبدیل نمی‌شود و بر عکس، (مؤمن، ۱۴۱۵، ۱۱۵؛ خرازی، ۱۴۲۰، ۲۵۸). چون عناوین خانوادگی علاوه به این که دارای آثار شرعی و حقوقی هستند، از یک نظر عرفی نیز هستند و عرفاً افراد جامعه در مواجهه با این افراد خواهند گفت: این «پدری» است که تغییر جنسیت داده و در حال حاضر زن است (نه مادر)؛ یا خواهند گفت: این «مادری» است که تغییر جنسیت داده و در حال حاضر مرد است (نه پدر)، (مؤمن، ۱۴۱۵، ۱۱۵؛ خرازی، ۱۴۲۰، ۲۵۸).

دلیل دیگر، صدق عنوان پدر و مادر بر اساس زمان انعقاد نطفه است؛ چون «پدر» از نظر فقهی کسی است که فرزند از نطفه (اسپرم) وی به وجود می‌آید و «مادر» کسی است که فرزند از تخمک وی پدید می‌آید و این امر با تغییر جنسیت پدر یا مادر تغییر نمی‌کند، (مؤمن، ۱۴۱۵، ۱۱۶). امام خمینی معتقد است آن چه در مورد نزدیکان نسبی گفته شده، در نزدیکان رضاعی مانند پدر، مادر، برادر، خواهر و ... رضاعی نیز جریان دارد.

۴-۶. تأثیر تغییر جنسیت بر مسأله‌ی حریمیت

امام خمینی معتقد است اگر مادر تغییر جنسیت دهد، بعد از مرد شدن، مانند پدر، کسانی که بر پسرش حلالند بر وی محرمند، هر چند حکم محل اشکال است. نیز اگر جنسیت پدر، تغییر یابد و به زن تبدیل شود، ظاهر آن است که به پسرش

محرم است هر چند مادر وی محسوب نمی‌شود. اگر عروس (همسر پدر) تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل شود، به مادر شوهر سابقش محرم است، ولی حکم به این مسأله محل اشکال است، (خمینی، ۱۳۶۸، مسأله ۸).

۴-۷. تأثیر تغییر جنسیت بر مسأله‌ی ولایت

امام خمینی معتقد است هر گاه جنسیت مرد به زن تغییر کند، ولایت وی بر کودکانش ساقط می‌شود و از زمان تغییر، بر کودکانش ولایت ندارد. نیز هر گاه جنس زن تغییر کند، مرد فعلی بر کودکانش ولایت پیدا نمی‌کند. در این صورت، ولایت و سرپرستی کودکان برای جد پدری خواهد بود، و در صورت نبود جد پدری، حاکم شرع بر کودکان ولایت دارد. (همان، مسأله ۶). کلام فوق مورد پذیرش یکی از فقیهان معاصر نیز قرار گرفته است (صدر، ۱۴۴۲، ۶۴۴/۳، مسأله ۳۷۰۶). در مقابل عده‌ای از فقیهان معتقدند که ولایت پدر با تغییر جنسیت وی از بین نمی‌رود؛ چون عنوان «آب و أم» از عناوین خاص است که پس از تغییر جنسیت هر یک، این عنوان زایل نشده و صدق عرفی آب و أم باقی خواهد بود و حتی می‌توان ولایتی که قبلاً برای این شخص وجود داشته، استصحاب نمود (مؤمن، ۱۴۱۵، ۱۱۵).

۴-۸. تأثیر تغییر جنسیت بر مسأله‌ی حضانت کودکان

امام خمینی در این باره اظهار نظر نکرده است، ولی با توجه به مطالب دیگر فقیهان، می‌توان گفت: هر گاه مادر در مدتی که حق حضانت کودک به او محول شده است، تغییر جنسیت دهد، وی همچنان دارای اهلیت حضانت است؛ زیرا با تغییر جنسیت، صفت زن بودن از وی زایل شده است، نه صفت «مادری». نیز حق حضانت پدر در صورت تغییر جنسیت زایل نمی‌شود؛ چون حضانت کودک به پدر از آن جهت که «پدر» است واگذار شده است و عنوان «پدر» پس از تغییر جنسیت، عوض نمی‌شود، (مطهری، ۱۴۰۳، ۲۰۱؛ مؤمن، ۱۴۰۳، ۱۱۵؛ صدر، ۱۹۹۶، ۱۴۵/۶).

۴-۹. تأثیر تغییر جنسیت بر مسأله‌ی ارث

امام خمینی معتقد است هر گاه فردی، جنسیت خویش را در زمان زنده بودن والدین خود تغییر دهد و آن گاه یکی از والدین وی فوت کند، ملاک ارث، جنسیت فعلی است. بنابراین، پسر فعلی، دو برابر خواهر خود سهم الارث دریافت می‌کند، هر چند قبلاً پسر بوده است. امام خمینی معتقد است اشکال باقی می‌ماند در ارث پدر و مادر و جد و جدّه، که اگر پدر تغییر جنسیت دهد، نه پدر فعلی محسوب می‌شود و نه مادر فعلی. نیز اگر مادر تغییر جنسیت دهد، مرد فعلی نه مادر است و نه پدر. در این صورت، این که از نظر تولید ارث می‌برند، یا به خاطر خویشاوندی و اولویت، یا این که ارث نمی‌برند، وی معتقد است در این مسأله تردید وجود دارد و بهتر است بگوئیم ارث می‌برند. و ارث آنها به لحاظ حال انعقاد نطفه است. بنابراین، برای پدر در حال انعقاد نطفه دو سوم می‌باشد؛ هر چند بعداً تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شود. نیز برای مادر در حال انعقاد نطفه یک سوم می‌باشد، هر چند بعداً به مرد تبدیل شود و احوط این است که با هم مصالحه کنند، (خمینی، ۱۳۶۸، مسأله ۷).

نتیجه گیری

از نظر امام خمینی تغییر جنسیت مرد به زن و برعکس و نیز تبدیل خنثی به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث، حرام نیست. هرگاه مرد یا زنی پس از ازدواج، جنسیت خویش را تغییر دهد ازدواج از هنگام تغییر، باطل است و شوهر در صورت آمیزش قبل از تغییر، باید تمام مهریه زن را بپردازد و در صورت عدم آمیزش، قول به پرداخت تمام مهریه، نسبت به نصف، اظهر است. نیز از نظر امام خمینی اگر زنی در زمان عده، تغییر جنسیت دهد، عده اش ساقط می شود حتی عده وفات. همچنین اگر هر یک از برادر و خواهر تغییر جنسیت دهد، برادر، خواهر می شود و خواهر، برادر. و اگر عمویی تغییر جنسیت دهد، تبدیل به عمه و اگر عمه ای تغییر جنسیت دهد تبدیل به عمو می شوند. همچنین با تغییر جنسیت، دایی به خاله و خاله به دایی تبدیل می شود. اگر پدر تغییر جنسیت دهد زن فعلی نه پدر محسوب می شود و نه مادر و اگر مادر، جنسیت خویش را تغییر دهد مرد فعلی نه پدر محسوب می شود و نه مادر.

منابع

۱. قرآن کریم، با ترجمه آیت الله مکارم شیرازی و دکتر محمد مهدی فولادوند.
۲. آلوسی بغدادی، شهاب الدین محمود (متوفای ۱۲۷۰ ق.)، روح المعانی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، ۱۹۹۹ م.
۳. ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل (متوفای ۷۱۱ یا ۷۱۶ ق.)، لسان العرب، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۴. ابوحیب، سعدی، القاموس الفقہی، لغه و اصطلاحاً، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۹ ق ۱۹۹۸ م.
۵. احمد احمد و عادل القاضي، فقه الحیاء، حوار مع آیت الله السید محمد حسین فضل الله، بیروت، مؤسسه المعارف للطبوعات، ۱۴۱۹ ق، چ سوم.
۶. اراکی، محمد علی (متوفای ۱۳۶۹ ش.)، استفتائات، قم، الهادی، ۱۳۷۳.
۷. باریک لو، علیرضا، وضعیت تغییر جنسیت، اندیشه های حقوقی، سال ۱، ش ۵ (۱۳۸۲).
۸. باریک لو، علیرضا، آثار حقوقی تغییر جنسیت، فصلنامه علمی - پژوهشی مدرس، سال ۱۳۸۳ ش.
۹. بغوی شافعی، حسین بن مسعود فراء، تفسیر البغوی، بی جا.
۱۰. ثعلبی، امام احمد (متوفای ۴۲۷ ق.)، الکشف و البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۲ م.
۱۱. جناتی، محمد ابراهیم، رساله توضیح المسائل، (استفتاءات)، قم، انصاریان، ۱۳۸۲ ش، دو جلدی.
۱۲. جیزانی، محمد بن حسین، فقه النوازل، دمام (عربستان سعودی) و قاهره، دار ابن الجوزی ۲۰۰۸ م. چ دوم.
۱۳. حر العاملی، محمد بن الحسن (متوفای ۱۱۰۴ ق.)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق. / ۱۹۹۱ م.
۱۴. حسینی، سید حسین، احکام المغتربین، تهران، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام، ۱۴۲۰ ق.
۱۵. حسینی شیرازی، سید صادق، المسائل الطبیه، قم، یاس الزهراء، ۱۴۲۷ ق.
۱۶. حلی، حسن بن یوسف (متوفای ۷۲۶ ق.)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷ ش.
۱۷. حلی، حسن بن یوسف (متوفای ۷۲۶ ق.)، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، قم، مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۱۸. خدادادی، غلامحسین، احکام پزشکان و بیماران، (فتاوی آیت الله محمد فاضل لنکرانی)، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۷۵ ش.

۱۹. خرازی، سید محسن، تغییر الجنسیه، قراءات فقهیه معاصره فی معطیات الطب الحدیث (مجموعه مقالات)، بیروت، الغدیر، ۱۴۲۳ق.
۲۰. خرازی، سید محسن، تغییر الجنسیه، فقه اهل بیت علیهم السلام، عربی، سال ۴، ش ۱۳ (۱۴۲۰ق).
۲۱. خرازی، سید محسن، تغییر جنسیت، فقه اهل بیت علیهم السلام، فارسی، سال ۶، ش ۲۳ (۱۳۷۹).
۲۲. خمینی، امام روح الله (متوفای ۱۳۶۸)، تحریر الوسیله، تهران، مکتبه اعتماد الکاظمی، ۱۳۶۶، چ ششم.
۲۳. خمینی، امام روح الله (متوفای ۱۳۶۸ش)، رساله توضیح المسائل، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹، چ نهم.
۲۴. خمینی، امام روح الله (متوفای ۱۳۶۸ش)، توضیح المسائل محشی، گردآوری طاهره مسلمی زاده، تهران، بارش، ۱۳۸۱ش.
۲۵. دوزدوزانی، یدالله، تغییر جنسیت آری یا نه؟! به کوشش محسن دلیر، قم، آثار امین، ۱۳۸۷ش.
۲۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ش.
۲۷. دیانی، عبدالرسول، حقوق اخلاق پزشکی و اصلاح جنسیت، دادرسی، ش ۲۹ (۱۳۸۰).
۲۸. رازی، امام فخر (متوفای ۶۰۶ ق.)، تفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۱م الطبعة الرابعة.
۲۹. زمخشری، محمود بن عمر (متوفای ۵۳۸ ق.)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۷م.
۳۰. سبزواری، سید عبد الاعلی (متوفای ۱۴۰۴ ق.)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، دفتر آیت الله سبزواری، ۱۴۱۹ ق.
۳۱. سر چشمه پور، زهرا، بررسی احکام فقهی و حقوقی تغییر جنسیت، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۴.
۳۲. صالح، فواز، جراحه الخنوثه و تغییرالجنس فی القانون السوری، مجله جامعه دمشق المجله ۱۸، العدد الثاني، ۲۰۰۳م.
۳۳. صانعی، یوسف، مجمع المسائل، استفتاءات، قم، میثم تمار، ۱۳۷۷ ش، چ سوم.
۳۴. صانعی، یوسف، استفتاءات پزشکی، قم، میثم تمار، ۱۳۷۷ ش، چ دوم.
۳۵. صانعی، یوسف، نظرات فقهی آیت الله صانعی در مورد مسائل دوجنسی ها، مجموعه مقالات دومین همایش دیدگاه های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۸۸-۷۸۹.
۳۶. صدر، سید محمد، ماوراء الفقه، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۹۶م.
۳۷. صدر، سید محمد، منهج الصالحین، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۴۲ق.
۳۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۸۸م.
۳۹. طبری، محمد بن جریر، تفسیر جامع البیان عن تفسیر آی القرآن (تفسیر طبری)، بیروت، دار ابن حزم و دار الاعلام، ۲۰۰۰م.
۴۰. طریحی، فخر الدین (متوفای ۱۰۸۵ق.)، مجمع البحرین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸، چ دوم.
۴۱. عبده، محمد (متوفای ۱۳۴۶ش.)، تفسیر المنار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۲۰۰۳م.
۴۲. عطار، حمید رضا و مریم رسولیان، تشخیص اولیه هویت جنسی، مجله اندیشه و رفتار، ش ۳ (۱۳۸۲ش).
۴۳. الموسوی (علم الهدی)، سید مرتضی، الانتصار فی انفرادات الامامیه، نجف، حیدریه ۱۳۹۱ق.
۴۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۰ش، چ سوم.
۴۵. فاضل لنکرانی، محمد (متوفای ۱۳۸۵ش.)، جامع المسائل، استفتاءات، قم، امیر، ۱۳۷۷ش.
۴۶. فاضل لنکرانی، محمد (متوفای ۱۳۸۵ش.)، النکاح، قم، مرکز فقه الاثمه، ۱۴۲۱ش.
۴۷. فتاحی، سید حسین، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلامی در پزشکی، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی، ۱۳۸۰ش.

۴۸. فقیه یوسف، یوسف بن احمد (متوفای ۸۳۲ق.)، تفسیر الثمرات الیائعه و الاحکام الواضحه القاطعه، یمن، مکتبه التراث الاسلامی، ۲۰۰۲م.
۴۹. قائنی، محمد، المبسوط فی المسائل الطبیه، قم، مرکز فقه الاثمه الاطهار علیهم السلام، ۱۴۲۲ق.
۵۰. قاسمی، محمد جمال الدین، تفسیر القاسمی المسمى محاسن التأویل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۶ق.
۵۱. قرضاوی، یوسف، الحلال و الحرام فی الاسلام، با تعلیقه حسن محمد تقی الجواهری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۵۲. قضایی، صمد، پزشکی قانونی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۵۳. کاشانی، فتح الله (متوفای ۹۸۸ق.)، منهج الصادقین، با تصحیح علامه شعرانی، بی جا.
۵۴. کلینی، محمد بن یعقوب (متوفای ۳۲۸ ق.)، الفروع من الکافی، با تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۵۵. کریمی نیا، محمد مهدی؛ کتاب: «تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق»، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۸۹.
۵۶. کریمی نیا، محمد مهدی، مقاله: «بررسی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت»، معرفت، ش ۳۶ (۱۳۷۹).
۵۷. کنگره پزشکی قانونی، خلاصه مقالات اولین کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی، تهران، پزشکی قانونی، ۱۳۸۳ش.
۵۸. کوچکیان زلبوا، زینب، بررسی وضعیت و مشکلات ناراضیان جنسی، پایان نامه کارشناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.
۵۹. گودرزی، فرامرز، پزشکی قانونی، تهران، انیشتین، ۱۳۷۷ش، دو جلدی.
۶۰. گودرزی، فرامرز، پزشکی قانونی، تهران، انیشتین، ۱۳۷۰ش، یک جلدی.
۶۱. مؤمن، محمد، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۶۲. مؤمن، محمد، سخنی درباره تغییر جنسیت، فقه اهل بیت علیهم السلام، فارسی، سال ۲، ش ۷ (۱۳۷۵).
۶۳. مجلسی، محمدباقر (متوفای ۱۱۱۰ق.)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث الاسلامی، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
۶۴. محسنی، محمد آصف، الفقه و المسائل الطبیه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ش.
۶۵. محقق داماد، سید مصطفی، حقوق خانواده، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۰ش. چ هشتم.
۶۶. محمد کنعان، احمد، الموسوعه الطبیه الفقهیه، بیروت، دار النفاس، ۱۴۰۲ق/ ۲۰۰۰م.
۶۷. مدنی تبریزی، سید یوسف، المسائل المستحدثه، قم، دفتر آیت الله مدنی، ۱۴۱۸ق.
۶۸. مردی که زن شد، همشهری، دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۴ش.
۶۹. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، مجموعه آرای فقهی قضائی در امور حقوقی، (نکاح)، قم، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۱ش.
۷۰. مرکز تحقیقات قوه قضائیه، گنجینه سؤالات فقهی قضایی (نرم افزار).
۷۱. مشکینی، علی (متوفای ۱۳۸۶ش.)، مصطلحات الفقه، قم، الهادی، ۱۳۷۷ش.
۷۲. مطهری، احمد، مستند تحریر الوسیله (المسائل المستحدثه)، قم، خیام، ۱۴۰۳ق.
۷۳. مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءات جدید، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۹ش.
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر، رساله احکام برای بانوان، تهیه ابوالقاسم علیان نژادی، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۰ش.
۷۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
۷۶. منتظری، حسین علی (متوفای ۱۳۸۸ش.)، رساله استفتاءات، قم، سایه، ۱۳۸۳.

۷۷. منتظری، حسین علی(متوفای ۱۳۸۸ش.)، احکام پزشکی، قم، سایه، ۱۳۸۱ش.
۷۸. منتظری، حسین علی(متوفای ۱۳۸۸ش.)، دراسات فی المکاسب الحرام، قم، مکتبه منتظری، ۱۴۱۷ق.
۷۹. موسوی بجنوردی، سید میرزا حسن(متوفای ۱۳۵۴ ق.)، القواعد الفقہیہ، قم مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۱ ش ۱۴۱۳ق
۸۰. موسوی، ابی القاسم علی بن الحسین (سید مرتضی عالم الهدی)، الانتصار فی انفرادات الامامیہ، نجف، حیدریہ، ۱۳۹۱ق.
۸۱. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم؛ استفتاءات، تهران، نجات، ۱۳۷۷ش.
۸۲. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم؛ پاسخ به پرسش‌های تغییر جنسیت، مجموعه مقالات اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۸۵-۷۸۲.
۸۳. میرجلالی، بهرام؛ عمل جراحی: خوب یا بد؟ مجله همشهری سرنخ، ش ۳۷، ۱۵ اسفند ۱۳۸۸ش.
۸۴. نجفی، هادی؛ الآراء الفقہیہ، قم، بی تا.
۸۵. نیشابوری، محمد به حسین، تفسیر غرائب القرآن و رغائب البرهان، بی جا.